

شکایت از فتوی غلط

در خم شیخ عرب کی شور شراب انداخته
کز فتوای غلط عقل را در مرداب انداخته
در بغل دارد کتاب سوی ظلمت درشتاب
به اسم جهاد کشتی اباطیل به آب انداخته

تا کجا باید بود ما را خموشی اختیار
در لوح دل‌های صاف نقش خراب انداخته
تعبیرش حاصل نقش خراب ذهن اوست
در گوش دنیای حقایق سیماب انداخته

نیست نشان از حقیقت در همه گفتار او
؛دقتر ما را خجالت در چاه آب انداخته؛
ای حقیقت اندیش حق اندکی مژگان بمال
این سیه پوش صحرامارا در خواب انداخته

این غول عصیان مغرور قدرت است در جهان
اوراق حقایق در مسیر سیلاب انداخته
زاغ بد منظر عقل و نقل ندارد در نظر
گردونهء جهل در پیکر آفتاب انداخته

دانشمند دهر را ترس زوال است یاطمع
فروغ عقل در ظلمت انتخاب انداخته

